

و مثل این که خوب هم شد و خروجی قابل قبولی داشت.

**مسعود کیمیایی همیشه در داستان فیلم هایش راجع به عشق و رفاقت به عنوان دو کلیدواژه مهم، یک سری روایت‌هایی دارد. به نظر شما این روایت «عشق و رفاقت» در فیلم خائن‌کشی به چه صورت نمود پیدا کرد و بیشتر در کدام بخش‌ها متصور شده بود؟**

به نظر من این سوال را باید از خود آقای کیمیایی پرسید، من به عنوان بیننده نه بازیگر کار می‌گویم ما عشق‌های کوچک و بزرگ داشتیم حتی نقش من با پارتی‌تری که داشتم، آن‌ها هم یک عشقی داشتند که به واسطه علاقه‌ای که بینشان بود، دل به این کار داده بودند یعنی شاید اعتقاد برایشان آن قدر بار نداشت و بیشتر به دلیل همان علاقه آمده بودند برای این کار و این عشق بین آن‌ها شاید کوچک‌ترین عشق آن پروژه بود که آن هم بسیار مهم بود. در کنارش عشق‌های بزرگ‌تر هم داشتیم که برای رسیدن به هدف‌هایشان، به نظر من در واقع برای رسیدن به هر هدفی باید عاشق باشی، باید یک عشق داشته باشید. عشق به یک انسان، عشق به جایگاهی که می‌خواهید برسید و شاید یکی از دلایل موفقیت این مینی سریال به نظر من این بود که تمام بازیگرها این را داشتیم، ولی باز هم تاکید می‌کنم که جواب این سوال دست آقای کیمیایی است.

**خودتان کدام قسمت از سریال را به عنوان بیننده دوست داشتید؟**

من قسمت بانگمان را خیلی دوست داشتم یعنی اکثراً که در بانک بود چون از نزدیک دیده بودم بچه‌ها چه زحمتی برای دکورش کشیده بودند برای تک تک همه چیزش زحمت کشیده بودند، بچه‌هایی که برای تدارک روشنایی شب فقط داشتند نور را تا مین می‌کردند که برسیم به آن داستانی که می‌خواهیم. من آن سکانس بانک و شب آن را خیلی دوست داشتم، سکانس حمام را هم خیلی دوست داشتم چون من را می‌برد به کارهای قبلی آقای کیمیایی و تمامش برای من که عاشق فیلم‌ها و کارگردانی آقای کیمیایی هستم، بسیار جذاب بود.

**پس یعنی فکر می‌کنید نقطه قوت سریال که باعث شد سریال ادامه پیدا کند فیلم‌نامه قوی و تعلیق بود که در همان سکانس اول هم شاهد آن بودیم؟**

بانک به نظر من چون شروع کار بود و خیلی درست انجام شد و به صحنه کشیده شد برای من جذاب بوده و حتما

مخاطبان را هم جذب کرده بود. تیم تدارکات بسیار زحمت کشیده بود و مطمئن هستم که مخاطب هم این زحمت‌ها را درک کرده است.

**یکی از انتقادهایی که به کارهای آقای کیمیایی گرفته می‌شود این است که همه شخصیت‌ها با یک لحن و فرم و ادبیات مشترک حرف می‌زنند، وقتی داشتید دیا لوگ‌هایتان را می‌خواندید در اشتراک با بازیگرهای دیگر و همکارانتان، چنین حسی را نسبت به دیا لوگ‌ها پیدا کردید که همه جملات و عبارات انگار به یک شکل ادای می‌شوند؟**

خیر، اصلاً من این برداشت را نکرده‌ام و معتقدم هر



**مگر چند هنرمند، کارگردان یا بازیگر داریم که از قبل انقلاب و هم بعد از انقلاب توانسته باشند خودشان را نگه دارند و همیشه در همان اوج بمانند و خودشان را تطبیق بدهند با سینمای روز و خواست‌های تغییر کرده مخاطب امروز؟ چند نفر می‌توانند خودشان را و هنرشان را تغییر دهند؟ این کار نیاز به هنرمندی توانمند و منعطف دارد**

شخصی دیا لوگ خودش را با توجه به شخصیت خودش داشت، به نظر من، شما سینمای کیمیایی را انتخاب کردید برای دیدن نوع خاصی از سینما که ایشان خالق آن است. پس باید فیلم‌های قبلی این فیلمساز را هم دیده باشید و با همان خط بیاید جلو. این کار هم جدا از خط سینمای آقای کیمیایی نبود، هیچ شخصیتی دیا لوگ شبیه به آن یکی نداشت و فضای کار طوری بود که همه در یک زمان زندگی می‌کردند و این را باید لحاظ کرد، نمی‌شود من با ادبیات قاجار صحبت کنم آن یکی با ادبیات دهه شصت صحبت کند و دیگری با ادبیات دهه سی. همه در محیط ۲۸ مرداد ۳۲ صحبت می‌کردند و همه با ادبیات رایج آن دوره حرف می‌زدند، مثل بقیه کارهای تاریخی مثلاً کاری که آقای ورزی می‌سازد که متعلق به زمان شاهنشاهی است. در واقع معتقد هستم که همه دیا لوگ‌ها در یک ظرف زمانی و با واژه‌های مرتبط با آن دوره انتخاب شده و برای بازیگران نوشته شده است.

**به عنوان سوال آخر، شما در کارهای بسیاری از کارگردانان بازی کرده‌اید. برای خودتان تفاوت کار با آقای کیمیایی با کارگردان‌های دیگر چه بود؟**

فاصله‌اش زیاد است، همان طور که در ابتدای این گفتگو هم گفتیم در وهله اول برای من خیلی خیلی افتخار داشت که در فیلم این کارگردان پیشکسوت و صاحب سبک بازی کنم. طی ماه‌های گذشته پیشنهادات بسیار زیادی ر برای بازی در تلویزیون داشتم، اما اکثریت نقش‌هایم تکراری و کم‌ریسک بوده‌اند به همین دلیل ترجیح دادم آن‌ها را نپذیرم، در حال حاضر به این نگاه رسیده‌ام که نمی‌خواهم هر نقشی را قبول کرده و خودم را دائم در فیلم‌های مختلف و نقش‌های تکراری تکرار کنم، حتی اگر دستمزد خوبی بابت یک کار بدهند، اما نقش تکراری باشد آن را نخواهم پذیرفت. فیلم خائن‌کشی و بازی زیر نظر مسعود کیمیایی اما این گونه نبود. برای این که خیلی متفاوت است نگاه عمیق و توانمند کیمیایی با بسیاری از کارگردانان فعلی. واقعیت اینکه مگر چند هنرمند، کارگردان یا بازیگر داریم که از قبل انقلاب و هم بعد از انقلاب توانسته باشند خودشان را نگه دارند و همیشه در همان اوج بمانند و خودشان را تطبیق بدهند با سینمای روز و نگاه جدید و خواست‌های تغییر کرده مخاطب امروز؟ چند نفر می‌توانند خودشان را و هنرشان را تغییر دهند؟ این کار نیاز به انسانی توانمند و منعطف دارد. معتقدم که سه چهار نفر داریم که من افتخار حضور در مقابل دوربین یکی از این بزرگان را داشتم.

